

فرهنگ و پیوست فرهنگی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

مقدمه

مقام معظم رهبری با توجه به اشرافی که بر مجموعه شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان معاصر و کشور دارند در شهریور ماه سال ۱۳۸۹ برای اولین بار موضوع ضرورت اتخاذ سیاست راهبردی دستیابی به اقتصاد مقاومتی را مطرح فرمودند و در تبیین این واژه توضیح دادند که:

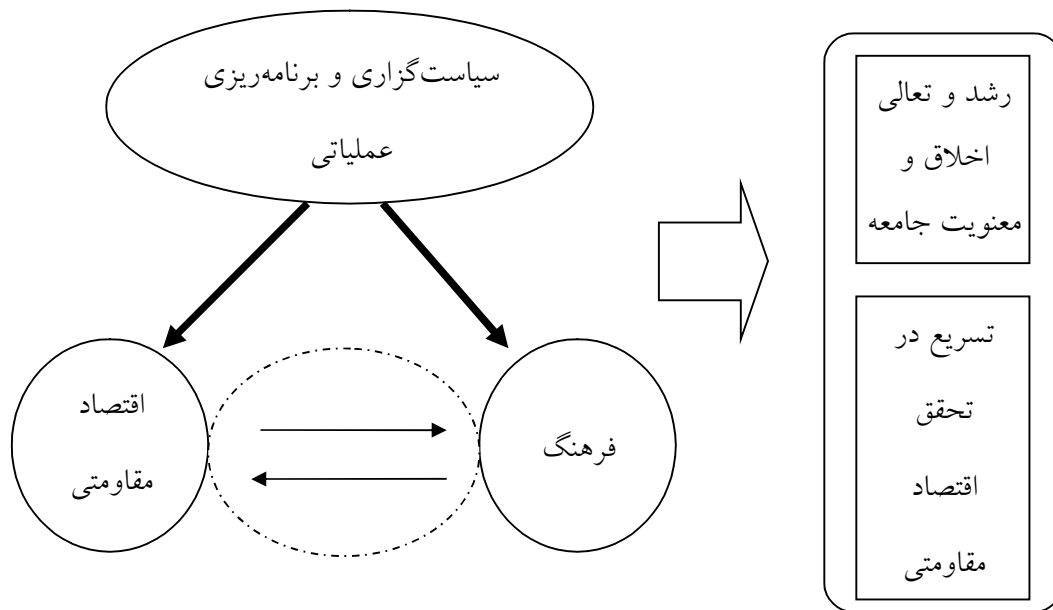
«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.»^۱

اهمیت این رهنمود رهبری و ضرورت توجه همه ارکان نظام به این مسئله موجب شد که شورای تشخیص مصلحت نظام این رهنمود را در قالب مجموعه «سیاست های کلی نظام» تنظیم و به معظم له پیشنهاد و پس از تأیید در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۹ به همه قوا و نهادهای مسئول ابلاغ نمایند.

گرچه امروزه شناخت تعامل گسترده فرهنگ جوامع با میزان توسعه یافتگی اقتصادی آنها موجب شده است ادبیات علمی زیادی تحت عنوان «فرهنگ توسعه» تولید شود و در آن به چگونگی سیاست گذاری و برنامه ریزی برای اصلاح فرهنگ جوامع به منظور تسریع در رشد اقتصادی پردازند،

اما علاوه بر این واقعیت، موضوع فرهنگ و رابطه آن با اقتصاد مقاومتی از جهت دیگری برای جامعه ما اهمیت پیدا می کند. زیرا نه تنها فرهنگ جامعه ما از جهت تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند تغییر و تحول زیادی است که به دلیل وجود هدف راهبردی نظام جمهوری اسلامی یعنی افزایش توانان رفاه اقتصادی با رشد و تعالی اخلاق و فضیلت های انسانی، شایسته است مجموعه سیاست ها و برنامه ریزی ها و اقداماتی که در جهت این سیاست کلی دنبال می شود، پیامدها و تأثیرات مثبتی در اصلاح فرهنگ جامعه داشته باشد. از این روی، موضوع این مقاله پاسخ به این سوال است که:

چگونه می توان تعامل فرهنگ جامعه را با اقتصاد مقاومتی اصلاح نمود که علاوه بر تسریع در شکل گیری اقتصاد مقاومتی، نقشی سازنده و هم افزا در جهت تحقق اهداف فرهنگی نظام جمهوری اسلامی داشته باشد؟



اهمیت پاسخ به این سوال:

پاسخ به این سوال از چند جهت در شرایط موجود کشور راهگشا خواهد بود که اهم آن عبارت است از:

الف: شناسایی وجود فرصت‌های متنوع بالفعل و بالقوه در بینش، گرایش و الگوهای رفتاری موجود در فرهنگ مردم جامعه برای تحقق این سیاست کلی که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

ب: شناسایی وجود موانع و آسیب‌های فرهنگی موجود و بالقوه که در مسیر تحقق این سیاست می‌تواند مانع تراشی کند و باید برای آن چاره اندیشی شود.

ج: شناخت آثار مثبت اجرایی این سیاست کلی در تحقق بسیاری از آرمان‌ها و اهداف غایی فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که پشتوانه‌ای خواهد بود برای جدیت در پیگیری این سیاست

د: احتمال شکل‌گیری پی‌آمدهای مخرب در فرهنگ جامعه در صورت بی‌توجهی به آثار فرهنگی اقدامات اقتصادی، که لازم است قبل از اجرایی شدن آن‌ها، چاره‌اندیشی شود.

برای توجه بیشتر به اهمیت تعامل فرهنگ جامعه با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، می‌توان علاوه بر مباحث نظری رابطه فرهنگ و اقتصاد به ظرافت‌های مندرج در مقدمه اعلام شده برای تشریح جزئیات این سیاست کلی توجه نمود.

در مقدمه توضیح دهنده علت اتخاذ این سیاست آمده است:

«ایران اسلامی با استعدادهای «سرشار معنوی و مادی و ذخائر غنی و متنوع» و زیرساخت‌های گسترده و مهمتر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزمی راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند، نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت، صفا‌آرایی کرده به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی ... در آن رو به افزایش است با حفظ دست‌آوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، اقتصاد متکی به دانش و فن‌آوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌نگر، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی را عینیت بخشد»

همانطور که ملاحظه می‌شود در سطر اول به «استعدادهای سرشار معنوی» اشاره شده است که باید در شناخت تعامل فرهنگ با سیاست، این استعدادهای سرشار معنوی مورد واکاوی قرار گیرد.

در سطر دوم به «برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزمی راسخ برای پیشرفت تاکید شده است که مستلزم تعمق و راه حل یابی برای شناسایی این نیروهای متعهد و به کارگیری آنهاست.

در سطر سوم: اقتصاد مقاومتی معادل «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» گرفته شده که نشان دهنده تعامل وسیع الگوی اقتصاد با بنیادهای فرهنگ دینی است.

و در سطر انتهایی از اقتصاد عدالت بنیان و درون زا سخن به میان آمده که در ذات خود ارتباط وسیعی را با فرهنگ اسلامی مطرح می سازد و بالاخره در پایان «اقتصاد مقاومتی را ضامن تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی» دانسته اند که وجه مهمی از آرمانها و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز به تحقق اهداف فرهنگی اختصاص دارد.

و بالاخره این موضوع مطرح شده است که شکل گیری اقتصاد مقاومتی می تواند عینیت بخش «نظام اقتصادی» اسلام باشد. به طور خلاصه از این مجموعه نکات می توان دو نکته مهم را یادآور شد:

۱. اقتصاد مقاومتی باید زمینه ساز تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی، یعنی رشد و تعالی اخلاق و فضیلت های انسانی قرار گیرد.

۲. تحقق اقتصاد مقاومتی خود نیازمند وجود نسلی مهذب، پرکار و متعهد به ارزش های اسلامی است.

از این جهت باید در کنار مجموعه سیاست های اقتصاد مقاومتی، مجموعه سیاست های فرهنگی نیز پیش بینی شود که این مقاله سعی دارد ابعاد و محتوای این سیاست های فرهنگی را تشریح نماید.

اما مشکلی که معمولا در این گونه مباحث با آن مواجه هستیم، تلقی ها و برداشت های بسیار متفاوت و متنوع از مفهوم فرهنگ و چیستی آن است که تاثیر زیادی در پذیرش و عدم پذیرفتن مطالب پیشنهادی خواهد داشت، از این روی، به ناچار در هر مقاله فرهنگی باید اشاره ای هرچند مختصر به مفهوم فرهنگ مورد نظر در این نوشتار کرد و به استناد آن به رابطه فرهنگ و اقتصاد پرداخت و اگر در این مسیر به ضرورت پیوست نگاری فرهنگی برای مطالعه دقیق رابطه فرهنگ با طرح های اجرایی می رسیم به تبیین چیستی فرهنگ پرداخت.

مفهوم فرهنگ و چیستی پیوست فرهنگی

فرهنگ از مقولات سهل و ممتنع است که هم می‌توان برخورد سطحی و صوری با آن کرد، هم می‌توان به ذات معنایی و لایه‌های تو در تو، پیچیده و ظرایف آن نظر افکند و به عنوان یک ناظر یا بازیگر به اعماق و لایه‌های درونی آن دست یافت. اگر فرهنگ را «معرفت مشترک» تعریف کنیم و لایه‌های آن را از عمیق‌ترین تا سطحی‌ترین لایه به ترتیب جهان‌بینی، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، فن‌آوری مادی (مهارت به‌کارگیری و ساخت اشیا) فن‌آوری اجتماعی (مدیریت و ساماندهی اجتماعی) بدانیم، بطور قطع، فهم و درک فرهنگ، مستلزم شناخت الگوهای مختلف شناخت‌شناسی، مفروضات هستی‌شناختی آنها و اطلاع از تکنیک‌های هر کدام از این روش‌هاست.^۲

این برداشت جامع از مفهوم فرهنگ موجب شده است بعضی از اندیشمندان ایرانی از فرهنگ به عنوان روح جامعه یاد کنند و مدعی شوند «همانطور که یک فرد، روح دارد، یک جامعه هم روح دارد، هر جامعه‌ای که دارای فرهنگ هست، فرهنگ آن جامعه روح آن جامعه را تشکیل می‌دهد»^۳

البته در مطالعه تعاریف جامعه‌شناسان مشهور، این نکته به ذهن تداعی می‌شود که تلقی روح از فرهنگ بیشتر اشاره دارد به جهان‌بینی، اعتقادات و ارزشهای مورد پذیرش اکثریت افراد یک جامعه که بعضاً با عنوان «فرهنگ ذهنی» از آن یاد می‌کنند. و با انعکاس این فرهنگ ذهنی در محسوساتی مثل معماری، شهرسازی، الگوهای رفتاری، قوانین، لباس پوشیدن، غذا خوردن، از آن به عنوان «فرهنگ مادی» یاد می‌کنند. از این روی در بسیاری از تعاریف، مجموعه فرهنگ ذهنی و فرهنگ مادی را شامل مفهوم فرهنگ می‌دانند از جمله این افراد:

مالینوفسکی^۴ است که می‌گوید:

فرهنگ متشکل از دست‌ساخته‌ها، کالاها، فرآیندهای فنی، اندیشه‌ها، عادات، ارزش‌های اجتماعی، واقعیتی منحصر به فرد است که بایستی به شیوه خاص خود مورد مطالعه قرار گیرد.^۵

همین مطلب را کروبر^۶ با بیان دیگری مطرح می‌کند:

فرهنگ متشکل است از الگوهای صریح یا ضمنی رفتار که بواسطه نمادها کسب و منتقل می‌شود و برگزیده دست یافته‌های مشخص گروه‌های انسانی و انعکاس آنها در مصنوعات آنهاست، هسته

مرکزی فرهنگ، اندیشه های سنتی و ارزش های همراه آن است، نظام فرهنگ را می توان از یک زاویه، محصول عمل و از سوی دیگر عناصر مشروط کنند، اعمال انسان تلقی کرد.^۷

این تعریف از فرهنگ، مورد پذیرش یونسکو قرار گرفته و تعریف فرهنگ در اسناد سازمان های بین المللی با این عبارت آمده است:

فرهنگ کلیت تامی از ویژگی های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می کند، فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربر می گیرد، بلکه شامل آئین های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام های ارزشی، سنت ها و باورهاست.^۸

تعابیر مقام معظم رهبری (حفظه ...) از فرهنگ نیز با اینگونه تعاریف از فرهنگ قرابت و نزدیکی بسیار دارد که برای آشنایی از دیدگاه های معظم له بعضی از آنها ذکر می شود:

«فرهنگ، یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان هایش؛ اینها تشکیل دهنده ی مبانی فرهنگ یک کشور است»^۹

«مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیتهای حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می کند.»^{۱۰}

«فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است.»^{۱۱}

«فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی این هوا را استشاق کرد، با هوایی که استشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می تواند دو قدم بردارد و جلو برود»^{۱۲}

این نوع تعابیر و تعاریفی که از فرهنگ در نظرات دانشمندان جهان و مقام معظم رهبری بکار برده شده است نشان می دهد که فرهنگ را نمی توان در عرض اقتصاد، سیاست و سایر فعالیت های انسانی قرار داد، بلکه فرهنگ در طول همه فعالیت های افراد یک جامعه جریان دارد و به همین دلیل صاحب نظرانی که در سازمان یونسکو برای بررسی نقش فرهنگ در توسعه جوامع قلم زده اند در مباحث کارشناسی خود، برای پایداری طرح های توسعه کشورها اعلام کرده اند.

«یک طرح پایدار باید شامل چهار بخش فعالیت باشد. سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی، میزان اهمیت هر بخش از این فعالیت ها و چگونگی تاثیرشان بر یکدیگر به واسطه فرهنگ تعیین می‌شود، بعد فرهنگی بنیادی است و همه موارد زیر نفوذ قرار می‌دهد.

-بعد سیاسی شامل فرآیند تصمیم‌گیری و نهادهاست.

-بعد اقتصادی شامل فعالیتهایی است که به قصد کسب معاش از محیط انجام می‌شود.

-بعد اجتماعی، شامل چگونگی آموزش دادن و عمل کردن با یکدیگر است.

-بعد محیطی، شامل کلید انواع فعالیت انسانی است که بر محیط فیزیکی موثر است هر یک از این جوانب آشکارا تحت تاثیر ابعاد دیگر است. برای مثال تصمیم‌های سیاسی تحت تاثیر چگونگی مالکیت ابزارهای تولید و ایده مردم درباره برابری و عدالت است، چگونگی متجلی شدن این ابعاد و چگونگی تاثیرشان بر یکدیگر فرهنگ می‌نامیم.»^{۱۳}

مشابه این تعبیر را در نحوه حضور و بروز فرهنگ در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را مقام معظم رهبری (حفظه...) در عبارت مشابهی در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح می‌کنند:

«من فرهنگ کشور را در سه عرصه مهم و عام مشاهده می‌کنم:

اول در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به عنوان جهت دهنده به تصمیم‌های

کلان کشور، حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید، نقش دارد.»^{۱۴}

و در ادامه با بیان اثرگذاری افعال مختلف انسان‌ها در فرهنگ و جامعه می‌فرمایند:

«وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع، با این کار، داریم فرهنگی را

ترویج یا تولید می‌کنیم یا اشاعه می‌دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می‌کنیم، در واقع، داریم از

این طریق، فرهنگی را تولید می‌کنیم؛ اشاعه می‌دهیم یا اجرا می‌کنیم.»^{۱۵}

و در همان نشست با توجه به رسالت خاص انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ارتقاء فرهنگ جامعه و داده و ستاده که هر فعالیت انسانی با فرهنگ جامعه برقرار می‌کند. سوال مهمی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

«فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی، رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند، چیست؟»^{۱۶}

با همین نگاه جامع و بسیار تعیین‌کننده به ماهیت فرهنگ و نقش مهم آن در تحولات جامعه و لزوم ارتقاء مداوم عناصر فرهنگ، اعم از ارتقاء اعتقادات، ارزشها، هنجارها و بهبود الگوهای رفتاری و اصلاح نمادهای فرهنگی است که در سال ۱۳۸۶ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، لزوم تدوین «پیوست فرهنگی» برای طرح‌های مهم را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

«در طرح‌های گوناگونی که در کشور تنظیم می‌شود ... طرح‌های اقتصادی، طرح‌های پولی و مالی، طرح‌های عمرانی حتماً یک پیوست فرهنگی داشته باشید که آن پیوست فرهنگی مصوبه آن شورا است. البته همه ملزم باشند که به آن پیوست فرهنگی توجه کرده و آن را لازم الاجرا بشمارند.»^{۱۷}

این دستور معظم‌له در سال ۹۲ با این عبارات خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مجدداً مورد تاکید قرار گرفته است:

«لکن اهتمام ویژه‌ی شما را در برجسته کردن این موضوع می‌طلبیم. چون شما هرجا هستید، بحمدالله همه‌تان جایگاهی برای گفتن و تأثیرگذاری دارید و منبرهایی در اختیار شما هست؛ از اینها استفاده کنید برای اینکه در جامعه و در چشم‌نخبگان کشور مسئله‌ی فرهنگ را در جایگاه واقعی و شایسته‌ی خود نشانید؛ این خیلی مهم است. فرهنگ هویت یک ملت است. ارزشهای فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ به این باید توجه کرد. نمیتوانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم؛ همین‌طور که اشاره کردند،* [اینکه] ما گفتیم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم پیوست فرهنگی داشته باشد، معنای آن همین است؛ معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینه‌ی اقتصاد، در

زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌ی سازندگی، در زمینه‌ی فناوری، تولید، پیشرفت علم می‌خواهیم انجام بدهیم، ملتفت لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد میشود، یک کار اقتصادی انجام میدهد، [اما] لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد.»^{۱۸}

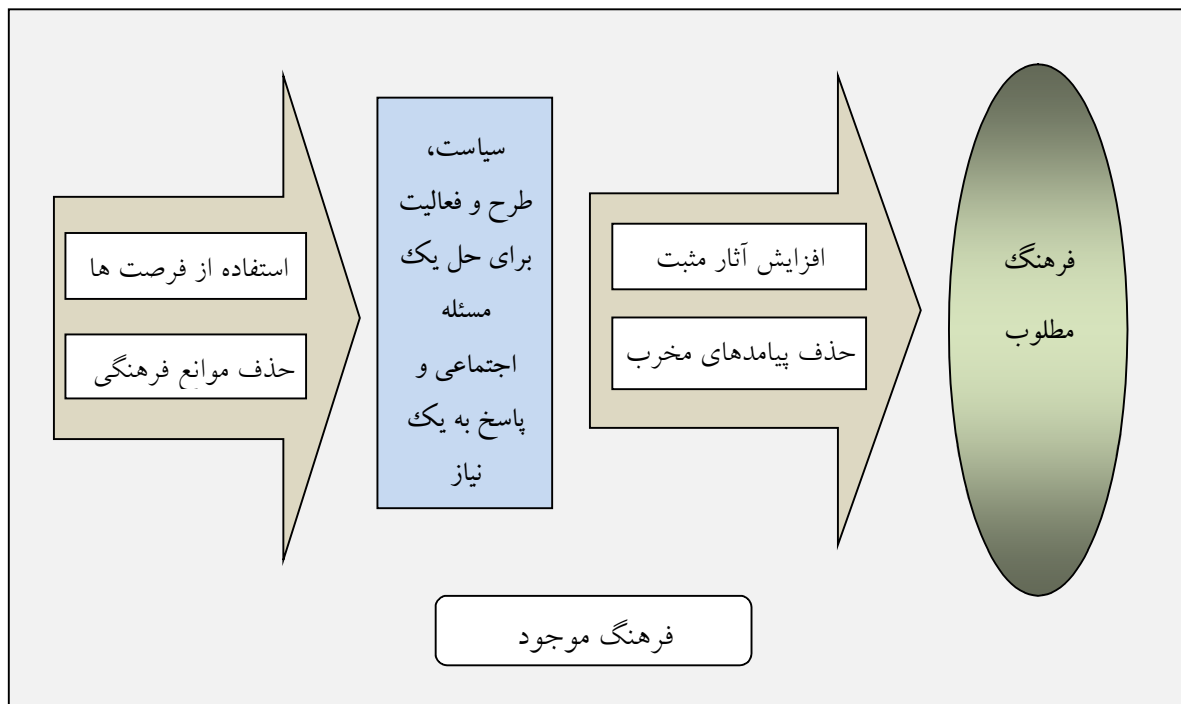
از آنجا که طرح‌های تحقیقاتی کاربردی در حوزه رابطه فرهنگ با اقتصاد مقاومتی می‌تواند در چارچوب پیوست فرهنگی برای اجزاء و مجموعه اقدامات اجرایی این سیاست دنبال شود و با توجه به اینکه وجود سیاست کلی اقتصاد مقاومتی نیز به صورت مستقل می‌تواند شامل طرح پیوست نگاری فرهنگی بشود، از این روی، به نظر می‌رسد توضیحاتی اجمالی در رابطه با چیستی پیوست فرهنگی می‌تواند به عنوان مقدمه برای ورود در بحث مفید باشد.

چیستی پیوست فرهنگی

در نقشه مهندسی فرهنگی تعریف زیر در رابطه با پیوست فرهنگی به تصویب اعضای شورای عالی انقلاب رسیده و تا اندازه‌ای چیستی پیوست فرهنگی را توضیح می‌دهد:

«سندی است مشتمل بر مطالعات کارشناسی، مبین پیش‌بینی پی‌آمدهای فرهنگی و اعمال الزامات و استانداردهای مربوط در هر نوع طرح، تصمیم و اقدام کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی متناسب با مقتضیات شرایط جامعه در چارچوب نقشه مهندسی فرهنگی کشور.»^{۱۹}

الگوی عمومی که برای تنظیم سند پیوست فرهنگی مدنظر قرار گرفته و پیشنهاد شده است. با توجه به مبانی نقشه مهندسی فرهنگی مبتنی بر این پیش فرض است که هر سیاست، طرح، فعالیت در هر حوزه اجتماعی از یک سو، تحت تاثیر فرهنگ جامعه و از سوی دیگر بر تحولات فرهنگی جامعه تاثیر می‌گذارد و اگر بخواهیم نقش آن سیاست، طرح و فعالیت را در پیشرفت کشور ارتقا ببخشیم همانطور که باید تلاش کنیم از فرصت‌های فرهنگی جامعه حداکثر استفاده را در افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و اثربخش نمودن آن اقدام خاص را دنبال نماییم، همانطور هم باید با شناخت از فرهنگ مطلوب مورد نظر تلاش کنیم، آثار مثبت فرهنگی آن فعالیت را افزایش دهیم پی‌آمدهای مخرب احتمالی آن را حذف یا جبران نمائیم و مطابق با الگوی مفهومی زیر، اجزا سند مطالعاتی را تکمیل نمائیم.



بدین ترتیب با شناخت اجمالی از تعامل اقتصاد مقاومتی با فرهنگ جامعه و چستی پیوست فرهنگی می توان گفت: پیوست فرهنگی برای اقتصاد مقاومتی پاسخ به سوالات محوری زیر است:

در مرحله شناخت:

۱-چه فرصت هایی در فرهنگ موجود جامعه (اعتقادات، ارزش ها، الگوهای رفتاری و نمادها) می تواند در خدمت تحقق اقتصاد مقاومتی قرار گیرد؟

۲-چه موانع و محدودیت هایی فرهنگی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی می تواند وجود داشته باشد؟

۳-با اجرای موفق اقتصاد مقاومتی چه تحولات مثبتی در فرهنگ جامعه رخ خواهد داد؟

۴-چه پی آمدهای مخرب فرهنگی می تواند از اجرای سیاست ها و اقدامات اجرایی اقتصاد مقاومتی وارد فرهنگ جامعه شود؟

در مرحله راه حل یابی:

۱-با چه اقداماتی می توان از فرصت های فرهنگی جامعه حداکثر استفاده را به عمل آورد؟

۲-با چه اقداماتی می توان موانع فرهنگی را حذف کرد و محدودیت های فرهنگی را مراعات نمود؟

۳- چگونه می‌توان آثار مثبت فرهنگی اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی را افزایش داد؟

۴- چگونه می‌توان پیامدهای مخرب فرهنگی (احتمالی) از اجرای اقتصاد مقاومتی را حذف و جبران نمود؟

پیش‌نیازهای پیوست‌نگاری فرهنگی

پیوست‌نگاری فرهنگی یک فعالیت علمی میان رشته‌ای است که بسته به موضوع محوری، باید از تخصص‌های مختلف بهره گرفت، برای مثال برای تدوین پیوست فرهنگی اقتصاد مقاومتی، حضور تخصص‌های زیر ضرورت دارد:

۱- عالمان دین‌شناس مسلط به مبانی اقتصاد اسلامی، حکومت اسلامی

۲- اساتید مسلط به نظریه‌های علمی اقتصاد خرد و کلان، اقتصاد توسعه و اقتصاد بین‌الملل

۳- اساتید مسلط به شرایط اقتصادی، جغرافیایی و اقتصاد ایران، مدیریت دولتی و ساختارهای بوروکراتیک کشور

۴- اساتید مسلط به مبانی نظری فرهنگ و دارای شناخت از شرایط فرهنگی کشور

۵- اساتید مسلط به نظریه‌های فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی

۶- اساتید مسلط به کارکردهای فرهنگی سازمان‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌های جمعی به عنوان ساختارهای اصلی فرهنگ ساز جامعه

۷- اساتید مسلط به جامعه‌شناسی و روانشناسی خانواده برای تجزیه و تحلیل رفتارهای فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها

۸- اساتید دارای شناخت به مفاهیمی چون سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و ...

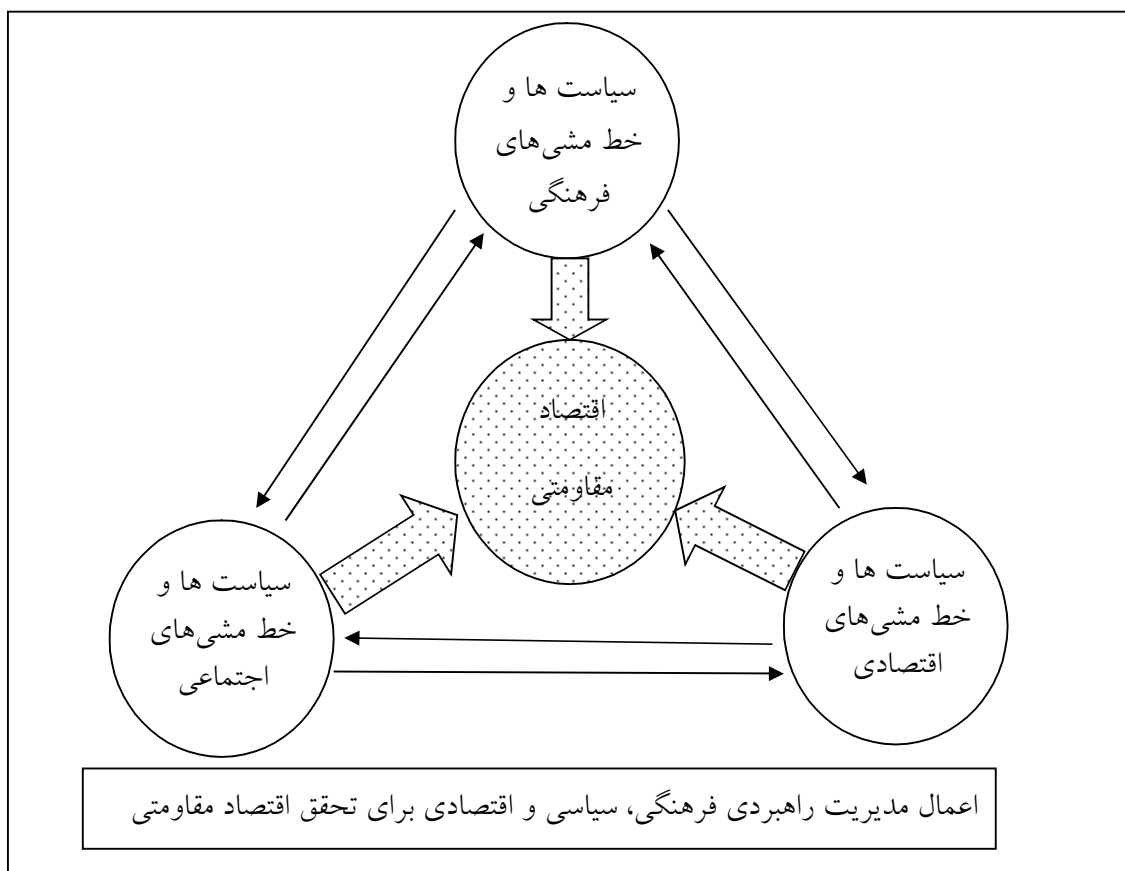
با دعوت از چنین مجموعه‌ای به عنوان هسته مرکزی علمی و فکری، بنظر نویسنده، قدمهای زیر، گام‌های اصلی دستیابی به سند پیوست فرهنگی است.

قدم اول: دستیابی به مجموعه سیاست‌های اجرایی مورد نیاز در حوزه اقتصاد برای تحقق این سیاست کلی یعنی شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی

قدم دوم: دستیابی به مجموعه سیاست‌هایی که باید در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه محقق شود تا اقتصاد مقاومتی استقرار یابد.

قدم سوم: دستیابی به مجموعه تحولات و سیاست‌هایی که باید در فرهنگ جامعه برای تحقق سیاست‌ها و اقدامات بنیادین اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دنبال شود تا تغییرات فرهنگی جامعه پیشبرنده و تقویت‌کننده اقتصاد مقاومتی گردد.

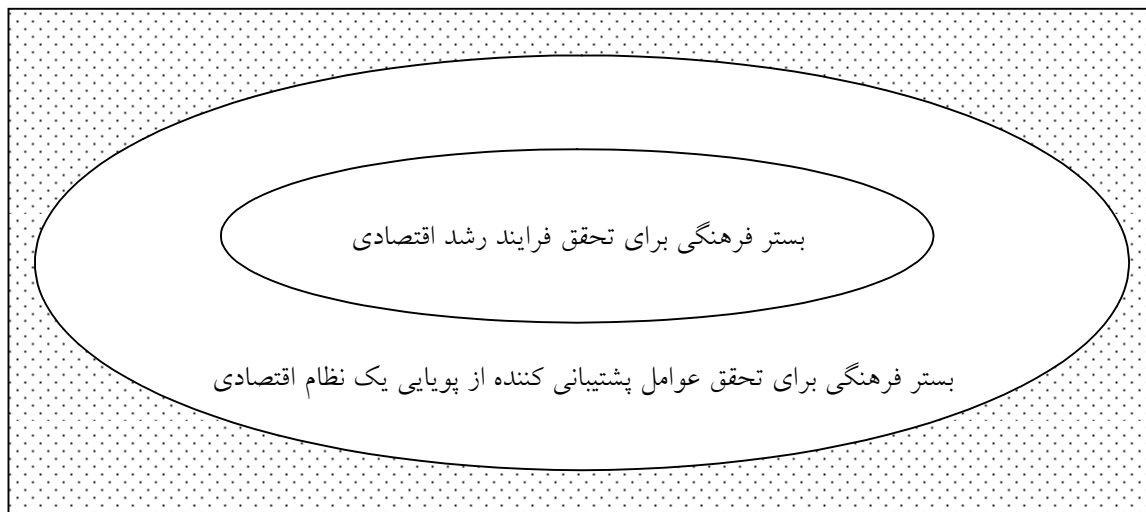
نکته قابل‌تعمق اینکه بواسطه تأثیرات متقابل این سیاست‌ها و راهکارها بر یکدیگر، مطالعات مربوط به هر عرصه باید همزمان با مطالعه تعامل سایر مطالعات در عرصه‌های دیگر صورت گیرد و گروه کوچک‌تری باید این تعامل و رفت و برگشت‌ها را در قالب یک نظام واره، مطالعه و مدیریت نماید.



از آنجا که هدف این مقاله، اثبات ضرورت اعمال این مدیریت راهبردی چند وجهی با رویکرد فرهنگی است تا چگونگی تحقق رهنمود رهبری دائر بر اقتصاد و سیاست ذیل فرهنگ مورد توجه قرار گیرد، در ادامه مطالب تلاش شده است تعامل فرهنگ و اقتصاد و تعامل فرهنگ با فعالیت‌های اجتماعی با هدف تحقق اقتصاد مقاومتی توضیح داده شده شود:

تعامل اقتصاد با فرهنگ و مسائل اجتماعی

برای مراعات اختصار در طرح مباحث نظری و به منظور شناخت تأثیرات متقابل فرهنگ و اقتصاد، عرصه‌های این تعامل در یک الگوی مفهومی کلی به شکل زیر توضیح داده می‌شود:



اگر در جامعه ای بخواهد رشد اقتصادی بصورت مستمر و درون زا تداوم پیدا کند و آسیب پذیری آن از عوامل خارجی به حداقل برسد، لازم است دو رابطه کلی از فرهنگ و اقتصاد شناسایی و همراه با اعمال اصلاحات اقتصادی، این دو رابطه تقویت کننده و زمینه ساز رشد اقتصادی شود.

رابطه اول: اصلاح و همراه سازی بستر فرهنگی جامعه برای تداوم فرایند اصلی رشد اقتصادی

رابطه دوم: اصلاح و همراه سازی بستر فرهنگی جامعه برای کیفیت بخشی به خدمات اجتماعی و سیاسی پشتیبانی کننده رشد اقتصادی است.

بواسطه اهمیت این بحث، در رابطه با هر کدام توضیحاتی مختصر ارائه می شود.

۱. بستر فرهنگی لازم برای تداوم فرایند اصلی رشد اقتصادی

روتنی و تداوم رشد اقتصادی در هر جامعه ای مستلزم کاهش مصرف، افزایش پس انداز، مشارکت سازنده پس اندازکنندگان در سرمایه‌گذاری منجر به افزایش تولید، افزایش صادرات بخشی از کالاها و خدمات مازاد، مدیریت واردات برای حمایت از تولید داخلی است.

ممکن است کارشناسان اقتصادی که شناخت کافی از سایر ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ندارند بنظرشان برسد که در همه این موارد باید اجازه دهیم سازوکار بازار با تعیین سود بیشتر در هر مرحله، این فرایند را اصلاح نماید و مدعی شوند که می‌توان با آموزه‌های علم اقتصاد، این فرایند را اصلاح نمود.

لیکن درک صحیح از سایر ساختارهای اجتماعی به ما نشان می‌دهد، همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند «در کشور ما بدون رشد فرهنگی، رشد اقتصادی غیر ممکن است و اگر بشود غیر مفید خواهد بود»^{۲۰} در توضیح اجمالی این موضوع می‌توان گفت اگر چند عامل و متغیر مداخله‌گر در این فرایند مدنظر قرار گیرد، اهمیت و ضرورت بسترسازی فرهنگی در کنار اصلاح سازوکارهای اقتصادی قابل درک می‌شود.

متغیر اول: تأکید بر تحقق عدالت در سرزمینی که بسیاری از منابع طبیعی آن استقراری نامتوازن دارد و اگر دولت در توزیع مجدد درآمدها مداخله نکند، بسیاری از نقاط جغرافیایی کشور خالی از سکنه خواهد شد.

متغیر دوم: وجود رقبای قدرتمند خارجی برای عرضه کالای باکیفیت تر و ارزان تر از تولید داخلی

متغیر سوم: وجود یک فرهنگ اقتصادی تخریب شده از مداخلات غلط دولت در صد سال اخیر

متغیر چهارم: ورود درآمدهای نفتی در روابط اقتصادی جامعه، که آثار گسترده آن در الگوهای مصرفی جامعه و پایین بودن شاخص‌های بهره‌وری مشهود است؛ برای مثال:

- میزان مصرف انرژی به ازاء هر واحد تولید ناخالص داخلی معدل ۳-۵/۲ برابر مقداری است که در کشورهای صنعتی و در حال توسعه مصرف می‌کنند.

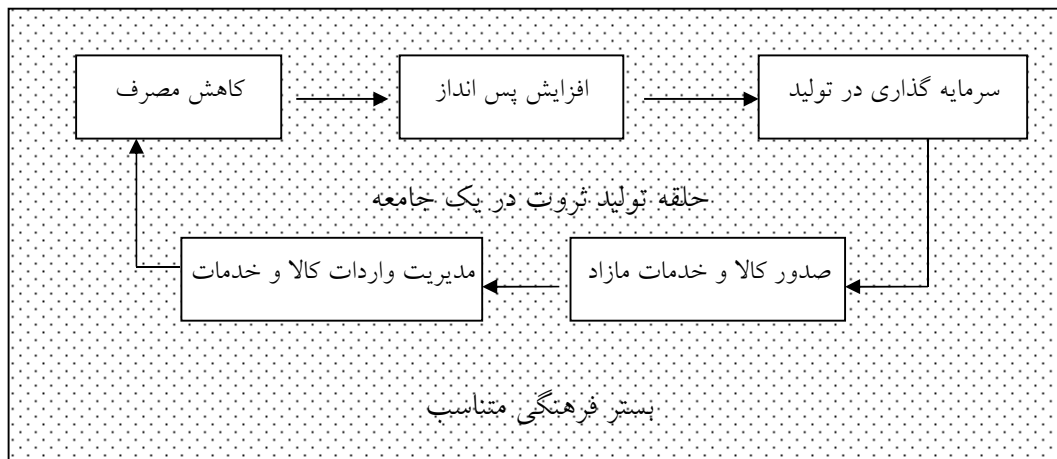
- به ازاء هر متر مربع ساخت مسکن $\frac{6}{2}$ برابر مصرف متوسط کشورهای صنعتی انرژی مصرف می شود.
- سرانه مصرف برق در ایران ۳ برابر میانگین جهانی است؛ ۹۰۰ کیلو وات در مقابل ۲۹۰۰ کیلو وات
- در حالی که در بخش کشاورزی ۹۲ درصد آب شیرین داخل کشور مصرف می شود، بهره وری از آن ۳۰ الی ۳۵ درصد تخمین زده می شود.^{۲۱}
- وزیر نیرو در تاریخ ۹۲/۲/۸ در مصاحبه با واحد خبر صدا و سیما اعلام می کند در سال ۹۰ شاخص شدت مصرف انرژی در ایران $\frac{6}{9}$ بوده است که ۹ برابر ژاپن و نروژ، ۷ برابر کشورهای نوظهور OECD و ۵ برابر ترکیه و ۳ برابر عربستان و ۴ برابر متوسط شاخص مصرف انرژی در دنیاست.^{۲۲}

همانطور که ملاحظه می شود ما در اولین قدم دستیابی به یک اقتصاد مقاوم با معضل بزرگ مصرف گرایی روبرو هستیم که بدون هماهنگی سازی اقدامات اقتصادی با اقدامات فرهنگی امکان اصلاح آن وجود ندارد.

متغیر پنجم: ضرورت ملاحظات سیاسی مقطعی و کوتاه مدت برای مدیریت عمومی جامعه، توضیح بیشتر اینکه، وقتی یک نظام سیاسی مردم سالار هر دو سال یکبار یک انتخابات عمومی فراگیر دارد و حضور حداکثری مردم در آن برای ادامه حیات نظام و حفظ منافع سیاسی آن در سطح منطقه و جهان ضرورت پیدا می کند، طبیعی است که دولتمردان ناچار شوند برای حفظ توازن سیاسی جامعه و کاهش مداخلات دشمنان جامعه برای بهره گیری از گسست های فرهنگی و سیاسی اجتماعی، از طریق اقدامات اقتصادی و مداخلات دولت در تخصیص منابع، بخش زیادی از این چالش ها را آرام سازند.

متغیر ششم: وجود انواع بازارهای جاذب سرمایه انسانی، سرمایه مالی و عرضه کننده کالا و خدمات در کشورهای توسعه یافته در شرایط کم رنگ شدن حضور دولت ها، متأثر از فرایندهای جهانی شدن و ضرورت تعامل با این بازارها برای کسب علم، تجربه و فن آوری

همه این موارد و البته تجربه‌های بسیاری از کشورهای جهان، بویژه کشورهایی که توانسته‌اند با اتخاذ سیاست‌های صحیح، گام‌های پیشرفت را با سرعت بردارند نشان می‌دهد، بهره‌گیری صحیح از متغیرهای فرهنگی یعنی استفاده از ذخایر اعتقادی، ارزش‌های مورد پذیرش اکثریت مردم، اصلاح الگوهای رفتاری پایدار که از عناصر اصلی هر فرهنگ است برای پویاسازی و اصلاح این فرایند اصلی اجتناب ناپذیر است.

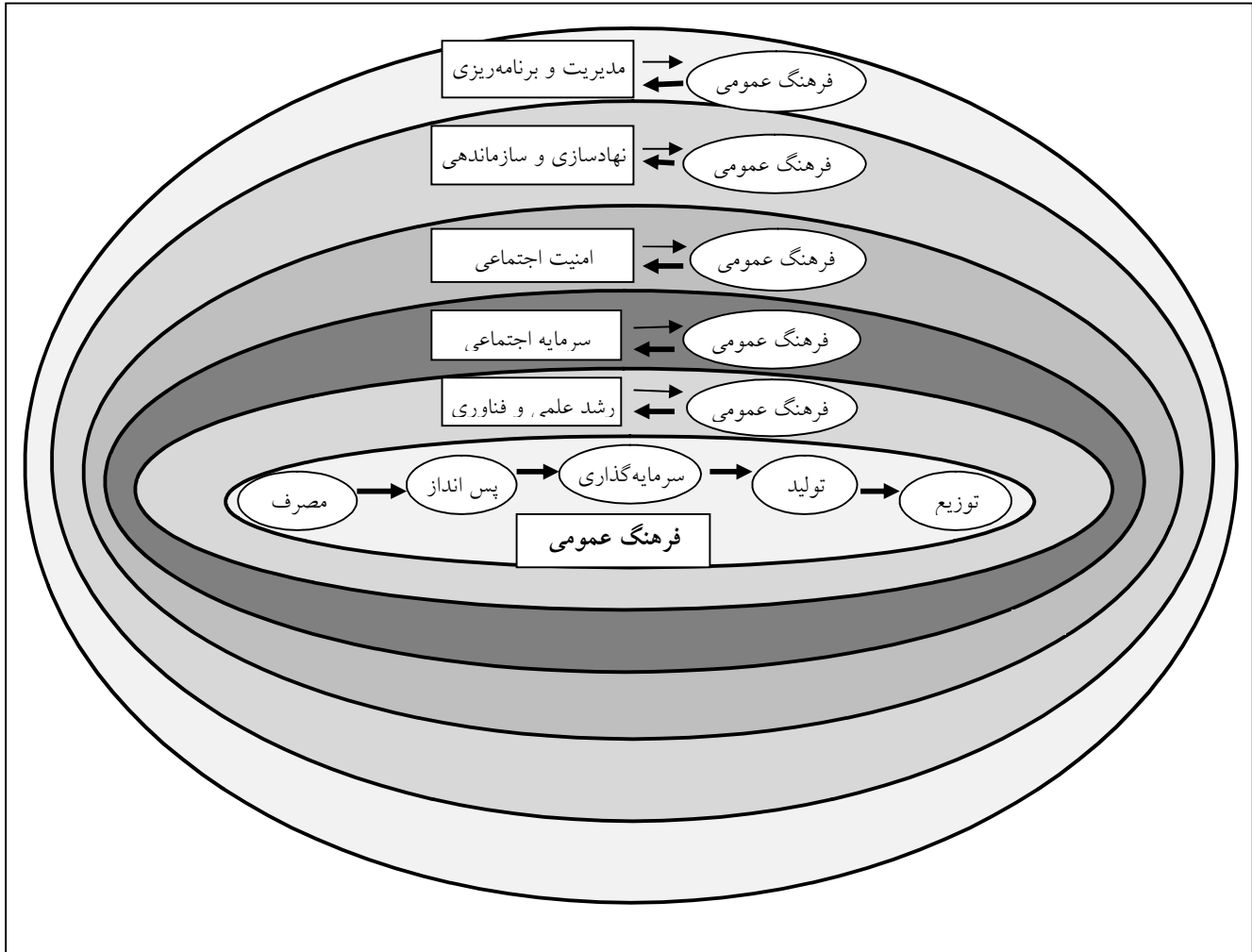


۲. آماده سازی بستر فرهنگی برای شکل‌گیری خدمات اجتماعی و سیاسی حمایت‌کننده از اقتصاد

علاوه بر ضرورت مدیریت متغیرهای فرهنگی جامعه برای رفع موانع هر یک از مراحل فرایند رشد مستمر اقتصادی، جوامع در حال توسعه نیازمند آماده سازی بستر فرهنگی جامعه برای یک سلسله خدمات اجتماعی و سیاسی به منظور پشتیبانی از این فرایند می‌باشد، این عوامل را در ادبیات مربوط به «اقتصاد توسعه» به تفصیل اشاره کرده‌اند، که البته می‌توان مجموعه مباحث را در چند عنوان کلی زیر ملاحظه کرد که عبارت است از لزوم:

- ۱- رشد علم و فن آوری
- ۲- رشد مستمر سرمایه اجتماعی
- ۳- رشد امنیت و احساس امنیت اجتماعی
- ۴- افزایش ظرفیت‌های مدیریتی و توان سازماندهی

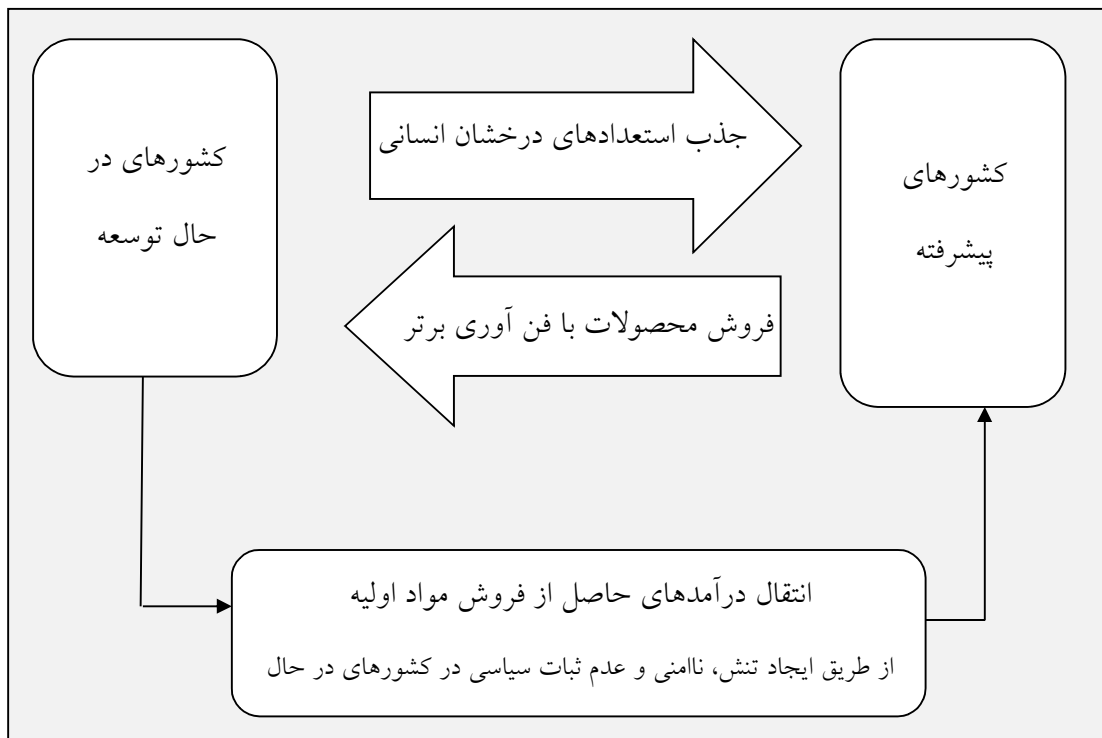
با مطالعه پیرامون چگونگی زمینه سازی تقویت هر یک از این عوامل، مجدداً به تأثیر متغیرهای فرهنگی مرتبط با این عوامل برخورد می‌کنیم، که لازم است برای شناخت دقیق‌تر پیرامون هر یک توضیحاتی داده شود. نمودار مفهومی زیر کلیت این ارتباط را توضیح می‌دهد.



۱. پیشرفت مستمر رشد علمی و فناوری

سرعت رشد علمی و تبدیل این علم به فناوری‌های جدید بواسطه نقشی که در افزایش تولید کالا و خدمات و کیفیت آنها دارد، یکی از عوامل بسیار موثر در میزان رشد اقتصادی کشورهاست. اگر در این رابطه به عمق روابط بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توجه شود، ملاحظه شود که

آنها سالهای متمادی است که از ضعف های ساختارهای داخلی کشورهای در حال توسعه استفاده کرده و از یکسو با جذب استعدادهای درخشان این جوامع و بکارگیری آنها در تولید فن‌آوری‌های نوین اقدام می‌کنند و از سوی دیگر با فروش محصولات حاصل از این فن‌آوری‌ها، بخش عظیمی از درآمدهای حاصل از فروش محصولات خام این کشورها را به کشورهای توسعه یافته باز می‌گردانند و از این طریق روز به روز به فاصله فقر و غنی بین این دو طیف از کشورها می‌افزایند.



حال با توجه به وجود اینگونه سازوکارها در روابط بین‌الملل و همینطور مطالعه در روابط داخلی جامعه از جهت میزان حضور اندیشمندان و فن‌آوران در عرصه‌های اقتصادی کشور، تاثیرات متنوع فرهنگ جامعه را در کندی یا سرعت پیشرفت علمی کشور و بدنبال آن حضور این علم در خلق فن‌آوری‌های نرم و سخت جامعه مورد مطالعه قرار داد. به عبارت دیگر اگر قرار است در تحقق اقتصاد مقاومتی تسریع شود، یکی از گام‌های اجتناب‌ناپذیر آن، داشتن برنامه‌هایی برای اصلاح انواع موانع فرهنگی در عرصه رشد علمی جامعه و چگونگی تبدیل علم به فن‌آوری‌های سخت و نرم

مورد نیاز این مقطع از تحولات کشور است. کافی است، مروری داشته باشیم به روحیه گسترده مدرک گرایی به جای طلب علم، یا توجه داشته باشیم به آسیب‌های فرهنگی موجود مؤثر بر هدایت غلط استعدادهای برجسته کشور به عرصه‌هایی که در کشور مازاد داریم و یا توجه کنیم به روحیه مسلط واسطه‌گری در اقتصاد برای کسب درآمد آسان در شهرها و پشت میزنشینی عمیق در میان نسل جوان تحصیل کرده و غیره تا اهمیت تلاش فرهنگ سازی در این عرصه‌ها مشخص شود.

۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مورد توجه قرار گرفته است و افرادی مثل (توکویل، بوردیو، کلمن، پاتنام و...) در تالیفات خود به آن پرداخته‌اند.

«پاتنام محور اصلی در بحث سرمایه اجتماعی را ارزش‌های حاصله از شبکه‌های اجتماعی می‌داند. این ارزشها جمعی است، مردم با آن آشنا هستند و تمایل دارند در روابط اجتماعی آنها را به ظهور رسانده، و در تعاملات آنها را بکار گرفته، سرمایه اجتماعی فقط شامل احساسات گرم و عاطفی نیست، بلکه گستره وسیعی از اختیارات خاص کیفی را شامل می‌شود، کنش متقابل، اطلاع‌یابی و تعاون می‌تواند از محصولات ارتباطات اجتماعی باشد.»^{۲۳}

تجارب بانک جهانی نشان داده است که سرمایه اجتماعی تاثیر قابل توجهی را بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد، افزایش آن موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها می‌گردد.^{۲۴}

با این توضیح اجمالی می‌توان این سوالات را مطرح کرد که روند تغییرات سرمایه اجتماعی ما چه مسیری را طی می‌کند؟ و تحولات فرهنگی کشور چه تاثیری روی روند آن دارد؟ و از رهگذر رشد سرمایه اجتماعی چه تاثیری بر سرعت تحقق اقتصاد مقاومتی خواهیم گذاشت؟

۳. امنیت اجتماعی

یکی از عوامل مؤثر در رشد سرمایه اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی جوامع، امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی است. در تعریف چستی امنیت اجتماعی نظرات متنوعی وجود دارد. بعضی امنیت را به صورت سلبی معنا می‌کنند و می‌گویند:

امنیت در معنای عینی، نبود تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص کرده و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند.^{۲۵}

و بعضی بصورت اثباتی و ایجابی مطرح کرده‌اند، از جمله این تعریف که امنیت عبارت است از توانایی در حفظ ارزش‌ها و ثروت‌ها در برابر تهدید^{۲۶}.

در توضیح عوامل مؤثر در امنیت اجتماعی آن را به دو بخش احساس آرامش و امنیت درونی در افراد و احساس امنیت بیرونی تقسیم بندی کرده اند و در توضیح نقش اعتقادات دینی در ایجاد امنیت درونی تأکید خاصی شده است. اگر چه وقتی از عوامل مؤثر در احساس امنیت بیرونی در سطح جامعه سخن گفته می‌شود و بر عملکرد دولت‌ها و قوه قضائیه تأکید می‌شود، باز هم در اینجا به مسئله نقش دین و فرهنگ در تغییرات مربوط به این متغیر اجتماعی می‌رسیم.

علی‌ایحال، این توضیح مختصر، برای جلب توجه خواننده محترم به رابطه فرهنگ جامعه با مقوله‌ای به نام امنیت اجتماعی بود تا یکی دیگر از ابعاد رابطه فرهنگ با توسعه اقتصادی معرفی شود.

۴. ظرفیت‌های مدیریتی در بدنه جامعه

منظور از ظرفیت‌های مدیریتی در بدنه جامعه، نوعی توانمندی برای بهره‌گیری از توانمندی‌های نیروی انسانی است در همه سطوح مدیریتی اعم از بخش خصوصی و دولتی که طبعاً وقتی ارزشمند خواهد بود که بتواند منافع افراد، سازمان‌ها و جامعه را در یک راستا قرار دهد. نکته بسیار مهمی که در اکثریت موارد بدان بی‌توجهی می‌شود، تصمیم‌گیری بهینه در نظام مدیریتی جامعه است. تصمیمی می‌تواند بیشترین نقش را در پیشرفت جامعه داشته باشد که در عین بیشترین اثربخشی، کمترین هزینه را برای جامعه داشته باشد. بدان معنا که اگر در حوزه فعالیت‌های اقتصادی صورت می‌گیرد آسیبی به

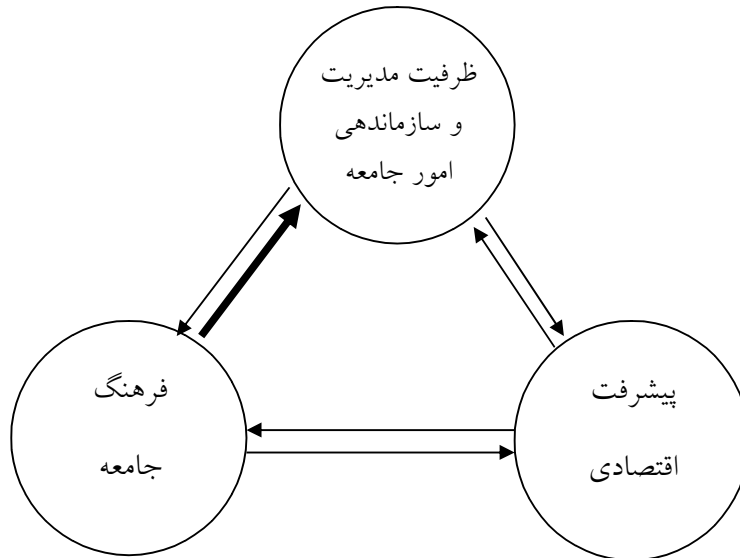
فرهنگ، محیط زیست، مسائل اجتماعی و اهداف سیاسی وارد نکند و همین طور اگر برای اصلاح فرهنگ جامعه اتخاذ می‌شود، زمینه ساز بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گردد. بدیهی است شکل‌گیری چنین نظام تصمیم‌گیری در مجموعه نظام مدیریت یک جامعه است که می‌تواند پیشرفت متوازن، همه‌جانبه و درون‌زا را در بر داشته باشد و مبنایی برای شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی شود.

با درک این الگوی عقلانی از مدل مدیریتی مناسب برای جامعه اسلامی ایران است که می‌توان به فهرستی طولانی از ضعف‌های فرهنگی مؤثر در این متغیر مؤثر در پیشرفت عمومی کشور دست یافت.

برای مثال: در این الگوی مدیریتی احساس نیاز به داشتن دانش کافی برای استفاده از انواع تخصص‌ها در یک تصمیم‌گیری مدیریتی، یک ضرورت است، اما اگر فرهنگ عمومی جامعه چنین مدیری را ناکارآمد تلقی کند و تصمیم‌گیری فوری و قاطع را از ویژگی‌های یک مدیر خوب بداند، طبیعی است که با چنین فرهنگی این‌گونه مدیریت‌ها شکل نخواهد گرفت. یا اگر در جامعه‌ای تملق و چاپلوسی فضای حاکم پیرامون مدیران باشد، نه تنها این احساس نیاز به کاربرد انواع تخصص‌های اصلاح‌کننده تصمیمات شکل نخواهد گرفت، که امر بر بسیاری از مدیران مشتبه خواهد شد و رأساً دانش محدود خویش را مبنای همه تصمیمات خواهند کرد.

۵. ظرفیت مدیریت راهبردی و سازماندهی کلان امور جامعه

علاوه بر امور سابق الذکر، یک از عوامل بسیار مؤثر در سرعت پیشرفت اقتصادی جوامع، ظرفیت‌های اعتقادی، انگیزشی، علمی و تجربی مدیران ارشد و راهبردی و قدرت و سازماندهی امور جامعه است. بدیهی است که ظرفیت‌ها و نواقص موجود در فرهنگ هر جامعه در شکل‌گیری این عامل نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. همانطور که تحولات فرهنگی جامعه تحت تأثیر ظرفیت‌های مدیریتی یک جامعه است و ما در این مسئله با یک مثلث سه‌وجهی از تعامل متقابل روبرو هستیم.



آنجا که بحث از تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری ظرفیت‌های مدیریت راهبردی یک جامعه است، عواملی چون میزان وجود نگرش علمی در قضاوت‌های مردمی، خودباوری مردم، قانون‌گرایی، انتظارات از دولت و مباحثی از این دست نقش‌آفرینی می‌کند و موجب می‌شود در جریان مردم‌سالاری مدیرانی با کفایت به مصدر مسئولیت‌ها برسند و بتوانند مطابق انتظار نظام مقدس جمهوری اسلامی به نحوی زمینه پیشرفت اقتصادی را فراهم کنند که آسیبی به ارزش‌های فرهنگی جامعه وارد نشود، یا بر عکس، مدیرانی را انتخاب نمایند که برای جلب آراء، بسیاری از ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی را قربانی کنند.

موضوع تقویت ظرفیت‌های مدیریتی و قدرت سازماندهی امور جامعه در کشور ما باید با توجه به چند پیش‌فرض مهم زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. کشور ما از جهت توزیع منابع طبیعی بسیار نامتوازن است.
۲. بخش مهمی از تحقق آرمان‌های جامعه ما نیازمند تبدیل شدن آنها به یک مطالبه‌نخبگانی است.
۳. شرایط جهانی و ابعاد دشمنی‌ها با نظام اسلامی بسیار متنوع و گسترده است.
۴. تصمیمات مدیریتی باید به سمت همه‌جانبه‌نگری میل کند.

۵. تصمیماتی که در هر دولتی گرفته می‌شود تا اندازه زیادی مسیر اقدامات دولت‌های بعدی را رقم می‌زند.

۶. در شرایط موجود، مشکلات فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد.

با پذیرش این پیش فرض‌ها مشخص می‌شود که جامعه ما نیازمند اعمال مدیریت بر اساس برنامه جامعی است که در یک بستر فرهنگی کارآمد تبدیل به یک مطالبه عمومی نخبگانی شود و تغییر در دولت‌ها نتواند تغییرات زیادی در آن بدهد، بلکه تغییرات حاصل پیشرفت‌های علمی و برآیند یافته‌های جدید نخبگان کشور باشد. روشن است که برای دستیابی به چنین برنامه‌ای و بسترسازی فرهنگی برای اجرای آن، باید نهادسازی مناسبی صورت گیرد. این در حالی است که بواسطه مجموعه معضلات فرهنگی کشور و پیوند آن با عالم سیاست، ما دچار عقب‌گرد مدیریتی هستیم و به جای آسیب‌شناسی از نهاد برنامه‌ریزی کشور و اصلاح، آن را منحل کرده و تصمیم‌گیری بخشی را جایگزین آن می‌سازیم تا هر وزارتخانه متأثر از مصالح خویش و بسته به قدرت و نفوذی که دارد، بدون توجه به پیامدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طرح‌ها و سیاست‌های خود تصمیم‌گیری نماید.

نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه شد نظام اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و نمادهای تشکیل دهنده فرهنگ هر جامعه در تمامی متغیرهای مؤثر در تحولات اقتصادی جامعه نقش آفرینی می‌کند و شاید تعبیر زیبای رهبری که «فرهنگ همچون هوا همه جا هست»^{۲۷} رساترین تعبیر در رساندن این معنا باشد و شاید بواسطه توجه به گستردگی ابعاد و تأثیرات فرهنگ است که معظم‌له در ادامه همین تعبیر می‌فرمایند «خیلی از مشکلات جامعه ما با فرهنگ سازی حل می‌شود»^{۲۸} و یا می‌فرمایند «پیشرفت اقتصادی بدون پیشرفت فرهنگی غیر ممکن است و اگر امکان‌پذیر باشد نامطلوب است»^{۲۹}.

اینکه در شرایط موجود کشور عوامل مثبت و سازنده و پیش برنده فرهنگی برای اقتصاد مقاومتی و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن چیست و چگونه می‌توان آن را افزایش داد و موانع فرهنگی کدام است و چگونه می‌توان آن را کاهش داد؟ موضوعی است که به دلیل گستردگی آن، نیازمند سازماندهی یک نظام مطالعات و مدیریت فرهنگی در کنار نظام مدیریت تصمیم‌گیری برای استقرار اقتصاد مقاومتی است. در این نظام مطالعات و مدیریت فرهنگی در سه سرفصل مرتبط با هم را می‌توان مطرح کرد:

۱. مجموعه اقداماتی که برای همراه سازی افکار عمومی برای حمایت از سیاست‌ها و اقدامات تحقق بخش اقتصاد مقاومتی لازم است

۲. شناسایی عوامل مثبت و منفی موجود در فرهنگ عمومی جامعه و به دنبال آن، پیش بینی راه کارهایی برای تقویت عوامل مثبت و پیش بینی تمهیداتی برای کاهش عوامل بازدارنده و اعمال آن

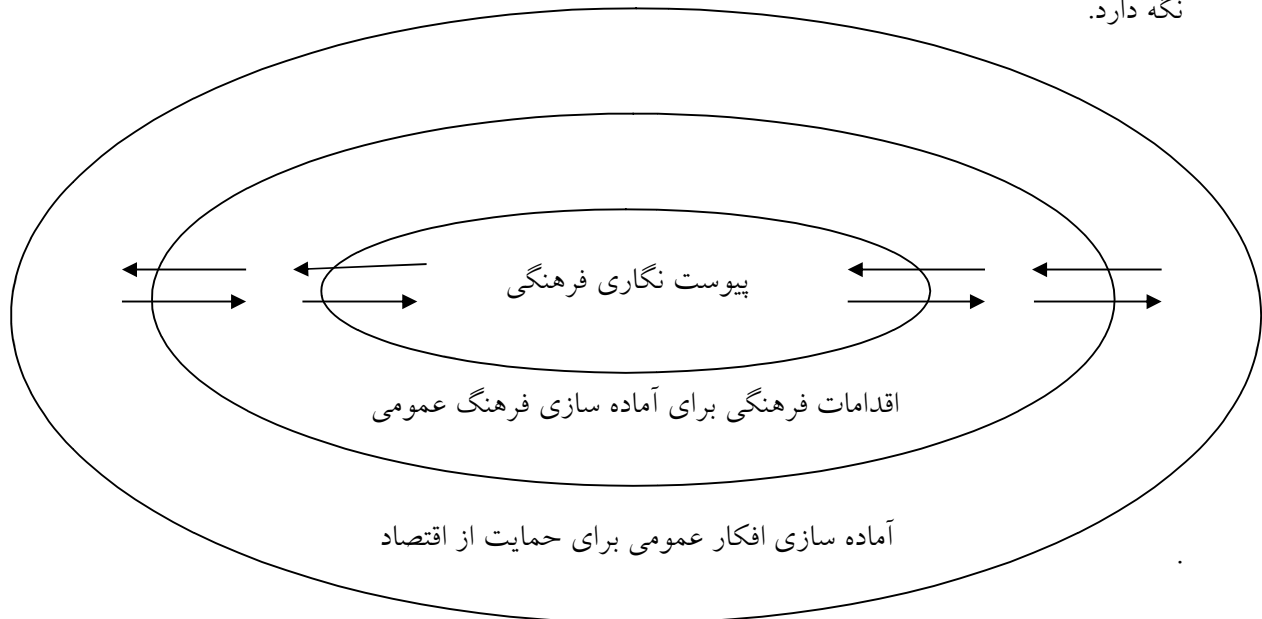
۳. پیوست نگاری فرهنگی برای تک تک سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات سازمان یافته در چارچوب اقتصاد مقاومتی

در مجموعه اقدامات همراه سازی افکار عمومی باید با زبانی ساده و با بهره‌گیری از انواع ابزارهای هنری، قشرهای مختلف جامعه را با فلسفه وجودی و ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی آشنا کرد و مردم را برای پذیرش لوازم آن آماده نمود.

در محور شناسایی متغیرهای موجود در فرهنگ عمومی که می‌توان پیشبرنده یا مانع آفرین باشد، مباحثی چون مبارزه با روحیه غرب زدگی، مبارزه با مصرف‌گرایی افراطی، مبارزه با قانون شکنی، مبارزه با فساد اقتصادی و ... مورد توجه قرار می‌گیرد و با برنامه‌ریزی جامع از همه ظرفیت‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه ملی، مطبوعات و شبکه تبلیغ دینی کشور برای این منظور استفاده می‌شود.

در فرایند پیوست نگاری فرهنگی بطور مشخص تر در کنار هر یک از سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات مشخصی که در حوزه اقدامات اقتصادی صورت می‌گیرد، فرایند پیوست نگاری دنبال می‌شود. برای مثال اگر تلاش سازمان یافته برای تشکیل شرکت‌های دانش بنیان یکی از اقدامات کلیدی در اقتصاد مقاومتی است، بطور خاص باید فرصت‌های فرهنگی موجود در نظام فکری، اعتقادی اعضاء مورد بررسی قرار گیرد و از آنها استفاده شود و اگر موانع فرهنگی مشاهده می‌شود برای رفع آن اقداماتی صورت گیرد، همانطور که باید آثار و پیامدهای مثبت فرهنگی این اقدام را شناسایی و با تبیین و انتشار آن به عنوان ابزاری برای تشویق دیگران از آن بهره گرفت.

همانطور که ملاحظه می‌گردد این سه مجموع اقدام نقشی هم‌افزا و حمایت کننده از یکدیگر را دارند و می‌تواند به عنوان تضمینی، استمرار حمایت از طرح‌ها و اقدامات مربوط به اقتصاد مقاومتی را زنده نگه دارد.



حسن بنیانیان

منابع:

۱. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان کشور ۸۹/۶/۱۶
۲. آفروغ، عماد، چشم‌انداز نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه، تهران، نشر فرهنگ و دانش ۱۳۷۹
۳. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی تهران، انتشارات صدرا ص ۷۶
- ۴ Malinowski
۵. مالینوفسکی، برانیسلاو، نظریه‌های علمی درباره فرهنگ، ترجمه منوچهر فرهمند، دفتر پژوهش‌های فرهنگی (۱۳۸۳)
- ۶ Kroeber
۷. به نقل از اجاللی، پرویز، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، نشر؟، تهران (۱۳۷۹)
۸. فرهنگ و توسعه، انتشارات یونسکو، ترجمه نعمت‌ا... فاضلی، محمد فاضلی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد (۱۳۷۶)
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه...) در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها (۸۳/۱۰/۱۷)
۱۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه...) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۷۸/۰۹/۲۴)
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه...) در دیدار اعضای انجمن اهل قلم (۸۱/۱۱/۸)
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه...) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت (۸۶/۰۶/۴)
۱۳. یونسکو، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی، ترجمه محمد فاضلی، تهران نشر تبیان
۱۴. بیانات رهبر معظم انقلاب (حفظه...) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.
۱۵. همان
۱۶. همان
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب (حفظه...) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶/۹/۱۷
۱۸. بیانات رهبر معظم انقلاب (حفظه...) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۹۲/۰۹/۱۹)
- * منظور ریاست محترم جمهوری است
۱۹. تعاریف مندرج در بخش کلیات سند مهندسی فرهنگی مصوب ۹۱/۱۲/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۰. بیانات در جمع کارکنان شرکت مپنا (۹۳/۲/۱۰)
۲۱. تحلیلی بر شاخص‌های اصلاح‌الگوی مصرف در ایران، علی شاه حسینی و زهرا رضی، نشریه پژوهشنامه
۲۲. واحد مرکزی خبر ۹۲/۲/۸
۲۳. ریندز، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، تهران، چاپ هشتم
۲۴. موسوی، میرطاهر، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، فصل‌نامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۳۸۶ سال ششم
۲۵. See Arnold Welters, National Security as an ambiguous Symbol, Political Science Quarterly (No. ۶۷, ۱۹۵۲)
۲۶. جاسمی، بهرام و محمد، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱

۲۷. بیانات در جمع اعضاء هیئت دولت ۸۶/۶/۴

۲۸. همان

۲۹. بیانات در جمع کارکنان شرکت مپنا